



دعوت به تفکر

اصغر طاهرزاده: مسلم است که ما در مرحله مرحله‌ی انقلاب اسلامی باید مطابق شرایط تاریخی خود و با نظر به اهداف مقدسی که در پیش رو داریم، خود را همواره بازخوانی کنیم. قبل از رویه‌روشدن با دفاع مقدس هشت ساله، مردم با عزمی راسخ وارد صحنه‌ی انقلاب شدند و امیدوار به نزدیک شدن هرچه بیشتر به اهداف انقلاب، ولی با آن که دفاع مقدس هشت ساله برکات خاص تاریخی خود را داشت، با این همه در فضای دولت سازندگی، به یک معنی حساسیت لازم نسبت به انقلابی بودن جامعه تا حدی به حاشیه رفت و ما با برهه‌ی دیگری از انقلاب خود رویه‌رو شدیم که دیگر نمی‌توانستیم نسبت به عبور از غرب با عزم اولیه کار را ادامه دهیم و فضای غرب‌زدگی که ریشه در تاریخ دوپست‌ساله‌ی ما داشت، آرام آرام در بعضی از زوایای فکری و فرهنگی جامعه جایگاه پیدا نمود و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در چنین فضایی بحث «تهاجم فرهنگی» را مطرح فرمودند.

در آن شرایط که همچنان ادامه یافت، باید در عین تأکید بر انقلاب و در عین نفی فرهنگ غربی با واقعیت موجود به صورتی منطقی رویه‌رو می‌شدیم. همه‌ی تلاش ما بر آن بود تا بدون هرگونه نزدیکی به فرهنگ غربی و ادامه‌ی انقلاب اسلامی، زندگی مردم معطل نماند و این در حالی است که تاریخ غرب‌زدگی ما

بی‌ظهور و بی‌حضور نبوده و نیست.

حال از یک طرف، ما بودیم و تأکید بر انقلاب اسلامی و از طرف دیگر جریان‌هایی که در عین تأکید نسبی بر

انقلاب اسلامی، نمی‌تواند به‌کلی از غرب عبور کند. یک راه آن بود که آن فکر و گرایش نادیده گرفته شود؛ و راه دیگر آن بود که ملاحظه کنیم در چنین شرایطی چگونه کار را جلو ببریم. نگاه واقع‌بینانه آن بود که در آن فضا، عقل مورد نیاز برای توسعه‌ی کشور را که می‌خواهد در عین داشتن انقلاب و ارزش‌های انقلاب، از توسعه به روش غربی بیرون نباشد؛ مدّ نظرها قرار گیرد و افراد تکلیف خود را به‌درستی بدانند و مانند عده‌ای گمان نکنند به صرف دل‌بستگی به فرهنگ غربی، از فردای آن دل‌بستگی وارد زندگی توسعه‌یافته‌ی غربی خواهند شد.

جایگاه کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی»، نه تأیید غرب و غرب‌زدگی است و نه از حضور تاریخی انقلاب اسلامی غافل است، بلکه متنگر این موضوع جدی است که اگر بنا است توسعه و پیشرفتی با ذوق غربی در کنار انقلاب داشته باشیم لاف‌بازان برای آن توسعه عقل مخصوصی باید به میان آید و گرنه در برزخ بین آرزوهای غربی و محروم‌بودن از اهداف عالی‌ه‌ی انقلاب اسلامی گرفتار انواع سرخورده‌گی‌ها و یأس‌ها خواهیم شد. بنده بدین لحاظ معتقدم کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی» ما را متوجه عقلی می‌کند که لازمه‌ی توسعه‌یافتگی غربی است و خود نویسنده تأکید دارد «اگر به وضع خود در جهانی که در آن به‌سر می‌بریم آگاه شویم، می‌توانیم این جهان را دگرگون کنیم»¹ و نیز می‌فرماید: «اگر مردمی توسعه می‌خواهند بدانند که آن را با این عقل می‌توان یافت و داشت.» ایشان هرگز توصیه نمی‌کند که ما در جاده‌ی توسعه‌یافتگی غربی قدم بزنیم، ولی تأکید دارد بیرون‌شدن از زندان توسعه‌نیافتگی کار آسانی نیست؛ لذا یا باید راه دیگری را درمقابل خود بگشاییم که لازمه‌ی آن درک مناسبی از زمان و مقصدی است که دنبال می‌کنیم و هم‌تی که نیاز داریم؛ و یا باید به عقل مناسب جهت ورود به توسعه‌یافتگی مجهز گردیم.

آن‌چه مطالعه‌ی این کتاب را با دقت بسیار ضروری می‌کند به خود آمدنی بس بزرگ و تاریخی است، تا جوانان دغدغه‌مند ما متوجه شوند که در شرایط تاریخی بس حس‌اس و دقیقی قرار گرفته‌اند؛ شرایطی که به قول استاد، بدانیم «آدم توسعه‌نیافته نه متجدد است، نه به هیچ‌یک از عوامل قدیم تعلّق دارد»². حال ما باید از خود بپرسیم در چه عالمی قرار داریم و این سوال به درستی جواب داده نمی‌شود مگر آن‌که با دقت کامل کتاب مذکور مطالعه گردد.

سخن دکتر داوری در کتاب مذکور یک چشم انداز است در مقابل ما و بحث ردّ و قبول آن به عهده‌ی مخاطب است البته خواننده نیز نباید عجله کند شاید در آخر کتاب آن‌چه را که در ابتدا می‌پنداشت در آن تجدید نظر نماید و متوجه شود که به هیچ‌وجه مؤلف محترم در صدد تجلیل از توسعه‌ی غربی و دعوت به سوی آن نیست، ولی خواننده‌ی خود را دعوت می‌کند که شرایط تاریخی خود را به صورت جدی مورد مطالعه قرار دهد. یکی از نتایجی که می‌توان از کتاب گرفت آن است که حیات بومی خود را در مقابل پیشرفت‌های غربی نباید نادیده گرفت و خرید تاریخی خود را برای زندگی نباید زیر پا گذاشت.

بنده سال‌های متمادی در نقد غرب و نفی فرهنگ اومانیسمی آن جدّ و جهد داشته‌ام و هنوز هم با تمام جدیت

باید آن موضوع و آن مطالب دنبال شود تا این شاءالله جامعه‌ی انقلابی ما جهت عبور واقعی از غرب به خودآگاهی لازم برسد ولی این بدین معنی نیست که ما به بهانه‌ی نقد غرب، نسبت به عقلانیت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی چشم خود را بر هم گذاریم و در عقل انتزاعی که نه عقل کارساز تاریخی است و نه عقل روبه‌رو شدن با واقعیت‌های عالم و آدم، متوقف بمانیم.

رسالت کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی» دعوت به تفکر است تا بتوانیم علم و عمل را در راستای رسیدن به زندگی، زیر سایه‌ی انقلاب اسلامی به هم نزدیک کنیم و راز مظلومیت انسان توسعه‌نیافته را عمیقاً درک نماییم و بفهمیم ما در چه جهانی و برای چه زندگی می‌کنیم و به کجا می‌خواهیم برویم؟

کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی» که خلاصه‌ی 10- پانزده ساله‌ی نوشته‌های سال‌های اخیر دکتر داوری است، آن‌چنان عمیق و پرمحتوا است که لازم آمد متن آن در جمع عزیزان خوانده شود و در حد امکان، شرح گردد. به امید آن‌که جوانان معتقد به انقلاب اسلامی اعم از دانشجو و طلبه با آشنایی با چنین متفکرانی، به بهترین شکل در راهی که انقلاب اسلامی در این تاریخ در مقابل ما گشوده است، قدم بردارند و از ساده‌انگاشتن تفکر که کار را به انواع افراط‌ها و تفریط‌ها می‌کشاند، مبرا گردند و به عبارت دیگر با ورود به تفکری که دکتر داوری در کتاب مذکور در پیش روی ما می‌گشاید، در نسبت خود با آن چه در اطراف ما می‌گذرد و با آن چه انقلاب اسلامی متذکر آن است؛ بهتر برخورد کنیم.

به نظر بنده جناب آقای دکتر رضا داوری در کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی» متذکر این موضوع است که باید عقل تکنیکی غرب را در این زمانه درست بشناسیم تا گرفتار افراط و تفریط نگردیم. توجه ما به دکتر داوری از این روست که ما را متوجه زمانه خود می‌کند.

1- کتاب «خرید سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی»، ص 40

2- همان، ص 47